
بازیابی مفاهیم مشترک میان آموزه‌های یوگا و عناصر سیستم بازی‌گری استانیسلاوسکی

■ مهدی حامد سقاییان [نویسنده مسوول]

■ عاطفه حسینی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۵/۰۷ | تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۰۶/۲۵

بازیابی مفاهیم مشترک میان آموزه‌های یوگا و عناصر سیستم بازیگری استانیسلاوسکی

مهدی حامد سقاییان | استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

عاطفه حسینی | کارشناس ارشد رشته کارگردانی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کنستانتین استانیسلاوسکی شیوه علمی آموزش بازی‌گری را بنیان نهاد. وی به نظریه تفکیک‌ناپذیری ذهن و بدن اعتقاد داشت و تحت تاثیر تیودول ریبو، ادعا می‌کرد عواطف بدون پیامد جسمانی نمی‌توانند وجود داشته باشند. آیا این تنها سرچشمه فکری استانیسلاوسکی برای شکل‌گیری سیستم بوده است؟ از دید برخی نظریه‌پردازان مانند گوردون و کارنیک، بخش مهمی از تمرینات بازی‌گری استانیسلاوسکی حاصل شیفتگی وی به یوگاست. استانیسلاوسکی به دلیل سانسور حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی مجبور شد تا از کاربرد کلماتی هم‌چون روح، الهام و پرانا که مربوط به یوگاست پرهیز نموده و به جای آن از واژگان ابداعی خود استفاده کند. با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و به روش توصیفی-تحلیلی در این مقاله تلاش شده است تا به این سوالات اساسی پاسخ گفته شود که: آموزه‌های یوگا تا چه حد بر سیستم بازی‌گری استانیسلاوسکی تاثیرگذار بوده است؟ و چه وجوه اشتراکی میان تمرینات استانیسلاوسکی و تمرینات یوگا وجود دارد؟ هم‌چنین دلایل به‌وجود آمدن ابهامات و پرسش‌هایی که امروزه آموزش سیستم استانیسلاوسکی را با چالش مواجه ساخته و راه برون‌رفت از آن را شناسایی کند.

واژگان کلیدی: سیستم استانیسلاوسکی، یوگا، آشتانگایوگا، تمرکز، پرانا، تنفس عضلات